

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه هشتم 99/07/12

موضوع: اثبات مشروعیت سنت از قرآن - اقوال علمای اهل سنت در آیه 63 سوره نور

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

بحث ما در رابطه با حجیت فرمایشات رسول اکرم و ائمه (علیهم السلام) بود؛ امروز متأسفانه در حوزه‌های علمیه ما هم، افرادی هستند که نغمه‌هایی سر می‌دهند بر این‌که فقط ما باید سراغ قرآن برویم:

«حسبنا کتاب الله!»

اهل سنتی که در رأس‌شان: «حسبنا کتاب الله» می‌گفتند الان از این کارشان پشیمان هستند؛ صد سال سنت خدا را نوشتند و الان با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند؛ ولی متأسفانه بعضی از شیعه‌نماهای ما، امروز این مباحث را مطرح می‌کنند و کسی هم به فکر جواب دادن به اینها نیست.

در زمینه حجیت سنت پیامبر، آیه ای را در رابطه با آثار مخالفت عملی با رسول اکرم آوردیم که فرمود:

(فَلْيُحَذِّرِ الَّذِينَ يَخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)

پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از اینکه فتنه‌ای دامنه‌شان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آنها برسد!

سوره نور (24): آیه 63

ما عقائد شیعه را آوردیم که در مورد: «يَخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ» «شیخ طوسی» می‌گوید:

«حذرهم من مخالفة رسوله»

التبيان في تفسير القرآن؛ المؤلف: الطوسي، محمد بن الحسن (المتوفى 460ق)، تحقيق وتصحيح:

أحمد حبيب قصير العاملي، ناشر: مكتب الإعلام الإسلامي، الطبعة: الأولى، 1409هـ. ج 7، ص 466

مرحوم «طبرسی» همین را دارد، «ابن شهر آشوب مازندرانی» همین تعبیر را دارد مرحوم «ملا فتح الله کاشانی» در «زبدة التفاسیر»، مرحوم «بحرانی»، مرحوم آقای «طباطبائی»، همه این تعبیر را دارند. ما اینها را از علمای شیعه آوردیم.

از علمای اهل سنت هم تعدادی آوردیم بر این که «جصاص» اصلاً بابی به نام باب «طاعة الرسول» دارد، و ایشان می‌گویند مخالف امر پیغمبر و امتناع از تسلیم، موجب خروج از ایمان هست؛ بلکه در ادامه می‌گویند:

«وفي هذه الآية دلالة على أن من رد شيئاً من أوامر الله تعالى أو أوامر رسوله صلى الله عليه وسلم فهو خارج من الإسلام»

اگر کسی چیزی از اوامر خدا و پیغمبر را رد کند از اسلام خارج است.

أحكام القرآن، اسم المؤلف: أحمد بن علي الرازي الجصاص أبو بكر الوفاة: 370، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت - 1405، تحقيق: محمد الصادق قمحاوي، ج3، ص 181

ما در رابطه با این صحبت «جصاص»، در دو جلسه گذشته سوالات زیادی مطرح کردیم. گفتیم اگر این باشد صحابه‌ای که سخنان نبی مکرم را در رابطه با وصایت، ولایت، خلافت و امامت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) رد کردند، جواب شما چیست؟

«طبری» در کتاب «تاریخ الطبری» جلد 1، صفحه 453 با سند صحیح نقل می‌کند که رسول اکرم در اولین جلسه که نبوت خودش را برای «قریش» اعلام کرد، فرمود:

«إن هذا أخي ووصيي وخليفتي فيكم فاسمعوا له وأطيعوا»

این برادر، وصی و خلیفه من در میان شماست. از او حرف شنوی داشته باشید و از او اطاعت کنید!

تاريخ الطبري؛ اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري الوفاة: 310، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ج1، ص543

آيا اين امر است يا امر نيست؟ رسول اكرم در تمام مناسبها، خلافت اميرالمؤمنين را با عبارتهاى مختلف بيان فرمود:

«وَأَنْتَ خَلِيفَتِي فِي كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِي»

تو پس از من، جانشين من در ميان همه مؤمنان هستي

السنة، اسم المؤلف: عمرو بن أبي عاصم الضحاك الشيباني، دار النشر: المكتبة الإسلامي - بيروت - 1400، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني؛ ج2، ص 565، ح 1188

«أَنَّه إِمَامُ الْمُتَّقِينَ، وَسَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ، وَقَائِدُ الْعُرِّ الْمُحْجَلِينَ إِلَيَّ جَنَاتِ النَّعِيمِ»

به راستي كه او پيشواي پرهيزگاران، سردار مسلمانان و جلودار روسفيدان به سوي بهشت سرشار از نعمت خداوند است.

معرفة الصحابة؛ المؤلف: أبو نعيم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهاني (المتوفى: 430هـ)؛ تحقيق: عادل بن يوسف العزازي، الناشر: دار الوطن للنشر، الرياض، الطبعة: الأولى 1419 هـ - 1998 م؛ ج3، ص 1587، ح 4002

«مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهُ فَعَلِيٌّ وَوَلِيَّهُ»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت؛ ج 6، ص 365، ح 32065

«إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي، وَأَنَا مِنْهُ وَهُوَ وَلِي كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي»

به راستی علی از من است و من از او هستم و او سرپرست همه مؤمنان، پس از من است.

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1403 - 1983، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصي الله محمد عباس؛ ج2، ص 605، ح

1035

حضرت با عبارتهای مختلف، امامت و ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را بیان کرد. آقای «جصاص»!

اگر مخالفت از امر رسول اکرم خروج از اسلام است، شما در این باره چه می‌گویید؟

البته عزیزان دقت کنند؛ یک بحث مهمی در رابطه با «حدیث حوض» در اینجا وجود دارد. ما قبلاً هم به

طور مفصل مطرح کردیم که تعدادی از صحابه، از ورودشان بر حوض ممانعت می‌شود؛ بعد رسول اکرم

می‌گوید:

وما شأنهم»

گناهشان چیست؟

«قال إنهم ارتدوا بعدك على أذبارهم القهقري»

اینها بعد از وفات تو مرتد شدند و به دوران قهقراء برگشتند.

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:

256، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د.

مصطفى ديب البغا، ج 5، ص 2407، ح 6215

آقایان در رابطه با «ارتدوا» حرف زیاد دارند. «ابن اثیر» می‌گوید «ارتدوا» ارتداد از ایمان نیست مراد از

«ارتداد»، مخالفت یکی از امور مهم رسول اکرم است. اگر این است، کدام مخالفت از امر رسول اکرم بالاتر

از مخالفت از امامت و خلافت وصی به حق او است؟

در اینجا حرف خیلی زیاد است ما رد می‌شویم، ولی نکته و سر منشأ خوبی برای طرح سوال و هجمه است.

«ماوردی» که از متکلمین به نام اهل سنت است می‌گوید:

(فَلْيُخَذَرِ الَّذِينَ يَخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ)

پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند

سوره نور (24): آیه 63

«فیه قولان: أحدهما: يخالفون عن أمر الله، قاله يحيى بن سلام . الثاني : عن أمر رسول الله صلى الله عليه وسلم، قاله قتادة»

در آن دو تا قول است قول اول از امر الله است که «یحیی ابن سلام» گفته است، قول دوم از امر رسول الله است که این قول «قتاده» است.

«(أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) فیه قولان: أحدهما: القتل في الدنيا , قاله يحيى بن سلام. الثاني: عذاب بجهنم في الآخرة»

یکی این که قتل در دنیا است که اگر کسی مخالفت امر رسول الله کرد، باید کشته شود، این را «یحیی بن سلام» را گفته؛ دومی گفته «عذابٌ علیم» عذاب جهنم در آخرت است.

النكت والعيون (تفسير الماوردی)، اسم المؤلف: أبو الحسن علي بن محمد بن حبيب الماوردی البصري الوفاة: 450هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - لا يوجد، الطبعة: لا يوجد، تحقيق: السيد ابن عبد المقصود بن عبد الرحيم، ج 4، ص 129

«ابن حزم اندلسی» که متوفای 456 هجری است، «ظاهری» مذهب هم است، نظراتش برای «وهابی»ها خیلی مهم است و «ابن تیمیه» هم از «ابن حزم اندلسی» خیلی تجلیل می‌کند. ایشان هم می‌گوید:

«فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن تصيبهم فتنة أو يصيبهم عذاب أليم) فقد جاء الوعيد على خلاف الأمر الذي هو بالنطق»

پیغمبر اکرم، اگر به زبان، امری را صادر بکند اجابتش واجب است. (تصیبهم فتنة أو يصیبهم عذاب أليم) شامل حال او خواهد شد. و همچنین:

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ)

مسلمانا برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود.

سوره احزاب (33): آیه 21

آن آیه قول پیغمبر را برای ما سنت و حجت کرده و این آیه فعل پیغمبر را حجت کرده است.

«فقد جعل تعالى لنا أن نأتسي بفعله (عليه السلام)»

ما باید به فعل نبی مکرم تأسی کنیم!

النبهة الكافية في أحكام أصول الدين؛ (النبذ في أصول الفقه)، اسم المؤلف: علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الظاهري أبو محمد الوفاة: 456، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1405، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد أحمد عبد العزيز، ج 1، ص 46

«فیروز آبادی» صاحب «قاموس» و کتابهای دیگر که شهرت جهانی دارد و متوفای 476 است، آیه «فلیحذر الذین یخالفون عن أمره» را مطرح می‌کند و می‌گوید:

«فتواعد على مخالفة أمر النبي صلى الله عليه وسلم فدل على أن أوامره كلها تقتضي الوجوب»

این آیه وعده عذاب بر مخالفت اوامر پیغمبر می‌دهد و دلالت می‌کند که تمام اوامر پیامبر، اقتضای وجوب دارد.

التبصرة في أصول الفقه؛ اسم المؤلف: إبراهيم بن علي بن يوسف الفيروزآبادي الشيرازي أبو إسحاق
الوفاة: 476، دار النشر: دار الفكر - دمشق - 1403، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد حسن هيتو،
ج1، ص 28

«سمعاني» صاحب كتاب «الأنساب» متوفى 489 هجرى هم اين آيه را مى آورد و مى گويد:

«فيرى أن متابعتة على الظاهر من فعله واجبة»

فراتر از قول، فعل پیغمبر هم با اين آيه ثابت مى شود که واجب است.

قواطع الأدلة في الأصول؛ اسم المؤلف: أبو المظفر منصور بن محمد بن عبد الجبار السمعاني الوفاة:
489هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1418هـ - 1997م، تحقيق: محمد حسن محمد
حسن إسماعيل الشافعي، ج1، ص 309

«سرخسى» متوفى 483 از فقهای بنام «احناف» است که هم کتاب «اصول» دارد هم «فقه» دارد. کتاب
«مبسوط» ایشان در «فقه» مثل «جواهر» ما است. ایشان مى گوید قضیه بر اين است که آیا افعال نبی
مکرم برای ما حجت است یا حجت نیست؟ آیا افعال پیغمبر برای ما ایجاب آور است یا ایجاب آور نیست؟
احتجاج کردند بر وجوب متابعت از افعال پیغمبر به:

«قوله تعالى (فليحذر الذين يخالفون عن أمره) أي عن سمته وطريقته في أفعاله»

أصول السرخسي؛ اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن أبي سهل السرخسي أبو بكر الوفاة: 490، دار
النشر: دار المعرفة - بيروت، ج1، ص 11

ایشان در مورد این آیه مى گوید: مراد از «امر» در اینجا «افعال» پیغمبر است. این برداشت ایشان است.
«واحدی» که صاحب کتاب های متعددی از جمله «اسباب النزول» است، در کتاب «الوجيز فى تفسير الكتاب
العزیز» مى گوید:

(فَلْيُحْذِرِ الَّذِينَ يَخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ)

ضمیر، به پیغمبر بر می‌گردد

«أَيُّ يَخَالِفُونَ أَمْرَ الرَّسُولِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) وَيَنْصَرِفُونَ بِغَيْرِ إِذْنِهِ»

از دستور پیامبر مخالفت می‌کنند و بدون اذن پیغمبر از امر او تخطی می‌کنند.

الوجيز في تفسير الكتاب العزيز؛ اسم المؤلف: علي بن أحمد الواحدي أبو الحسن الوفاة: 468، دار

النشر: دار القلم ، الدار الشامية - دمشق ، بيروت - 1415، الطبعة: الأولى، تحقيق: صفوان عدنان

داوودي، ج2، ص772

آقای «قشیری عبدالکریم بن هوازن» متوفای 465 هجری هم آیه: (فَلْيَحْذِرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ...) را

می‌آورد و با یک عبارت خیلی زیبا و اتوکشیده می‌گوید:

«سعادة الدارين في متابعة السنة»

سعادت دنیا و آخرت در متابعت از سنت پیغمبر است.

وشقاوة المنزلين في مخالفة السنة»

شقاوت دنیا و آخرت در مخالفت پیغمبر است.

تفسير القشيري المسمى لطائف الإشارات؛ اسم المؤلف: أبو القاسم عبد الكريم بن هوازن بن عبد

الملك القشيري النيسابوري الشافعي الوفاة: 465هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان -

1420هـ-2000م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد اللطيف حسن عبد الرحمن، ج2، ص 376

«ابو حامد غزالی» که از عرفای اهل سنت است کتابی به نام «المستصفی فی علم الأصول» دارد که یکی از

مفصل‌ترین کتاب «اصولی» اهل سنت است. ایشان هم بعد از ذکر آیه (فلیحذر الذین یخالفون عن امره...) می‌گوید:

می‌گوید:

«وأمثاله وجمع ذلك يرجع إلى قبول أقواله وغايته أن يعم الأقوال والأفعال»

و امثال اينها تماما بر می‌گردد بر اين که اقوال پیغمبر باید مورد قبول مسلمانها قرار بگیرد. و نهایت این آیاتی که ما داریم هم به وجوب اقوال پیغمبر و هم به وجوب افعال پیغمبر عمومیت دارد.

المستصفي في علم الأصول؛ اسم المؤلف: محمد بن محمد الغزالي أبو حامد الوفاة: 505، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1413، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عبد السلام عبد الشافي، ج1، ص 276

«اسماعيل بن محمد بن اصبهاني» متوفای 535 می‌گوید:

«فكل ما صح عن رسول الله من أفعاله، وأمره، ونهيه، وسنن، وأمر الله بالاقتداء برسوله فيها»

آنچه که با سند صحیح از پیغمبر به ما رسیده باشد، در تمام این موارد خدای عالم به ما امر کرده اقتداء به پیغمبر کنیم.

ایشان دو تا آیه را می‌آورد، یکی آیه 7 سوره حشر و دیگری هم 63 سوره نور، بعد می‌گوید:

«فهذا أمر الله في اتباع رسوله، واتباع سنته»

این امر خدا است در اینکه ما باید از رسول اکرم و سنتش متابعت کنیم.

الحجة في بيان المحجة وشرح عقيدة أهل السنة؛ اسم المؤلف: أبو القاسم اسماعيل ابن محمد بن الفضل التيمي الأصبهاني الوفاة: 535هـ دار النشر: دار الراية - السعودية / الرياض - 1419هـ - 1999م، الطبعة: الثانية، تحقيق: محمد بن ربيع بن هادي عمير المدخلي، ج2، ص 326

آقای «معافري ابوبکر بن عربی» متوفای 543 و غیر از «ابن عربی» عارف، می‌گوید:

«فلم يختلف أحد في أن مخالفة الأمر لا يحل»

کسی مخالفتی ندارد در اینکه مخالفت امر پیغمبر حلال نیست!

المحصل في أصول الفقه؛ اسم المؤلف: القاضي أبي بكر بن العربي المعافري المالكي الوفاة:
543هـ، دار النشر: دار البيارق - عمان - 1420هـ - 1999، الطبعة : الأولى، تحقيق: حسين علي
اليدري - سعيد فودة، ج1، ص 55

بعد مفصل بحث می‌کند که اختلاف در کجا است. من اینها را تلخیص کردم. این مطلبش را فاکتور
می‌گیریم چرا که آن مورد بحث ما نیست. باز ایشان در کتاب «احکام القرآن» خودش می‌گوید:

«وقد قال جماعة إن الأمر هاهنا بمعنى البيان [فليحذر الذين يخالفون عن بيانه]»

این بیان پیغمبر:

«من قول أو فعل»

قول باشد یا فعل باشد.

«وهو الصحيح»

أحكام القرآن؛ اسم المؤلف: أبو بكر محمد بن عبد الله ابن العربي الوفاة: 54هـ دار النشر: دار الفكر
للطباعة والنشر - لبنان، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، ج3، ص 431

تفاوت این حرفشان با حرفهای دیگر این است که می‌خواهد بگوید:

(فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ)

پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند

سوره نور (24): آیه 63

به آیه 44 سوره نحل ناظر است که می‌فرماید:

(وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ)

و ما این ذکر [= قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی.

سوره نحل (16): آیه 44

(مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ) هم:

«كان جِبْرِيلُ يَنْزِلُ عَلَى النَّبِيِّ بِالسُّنَّةِ كَمَا يَنْزِلُ عَلَيْهِ بِالْقُرْآنِ»

سنن الدارمی، اسم المؤلف: عبدالله بن عبدالرحمن أبو محمد الدارمی، دار النشر: دار الكتاب العربي - بيروت - 1407، الطبعة: الأولى، تحقيق: فواز أحمد زمرلي، خالد السبع العلمي، ج 1، ص 153، ح

588

«فخر رازی» متوفای 604 هجری، در ذیل آیه 63 سوره نور می‌گوید:

«الآية تدل على أن ظاهر الأمر للوجوب»

آیه دلالت می‌کند که ظاهر امر، دلالت بر وجوب دارد.

بعد آیه را می‌خواند و می‌گوید:

«فثبت أن مخالف أمر الله أو أمر رسوله قد وجد في حقه ما يقتضي نزول العذاب»

ثابت می‌شود که مخالفت امر خدا و رسول خدا، نزول عذاب را اقتضاء می‌کند!

التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب؛ اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي الوفاة: 604، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1421 هـ - 2000 م، الطبعة: الأولى، ج 24، ص

36

یعنی مخالفت امر الله و مخالفت امر رسول، هم فتنه است و هم عذاب الیم است. آقای «قرطبی» متوفای

671 در کتاب تفسیرش که خلاصه‌ای از تفاسیر 6 قرن صدر اسلام است، می‌گوید:

«والضمير في أمره قيل هو عائد إلى أمر الله تعالى قاله يحيى بن سلام وقيل: إلى أمر رسوله (عليه السلام) قاله قتادة»

الجامع لأحكام القرآن؛ اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي الوفاة: 671، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج 12، ص 323

و خودش هم در اینجا هیچ اظهار نظری نمی‌کند که آیا: (يَخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ) «عن امر الله» است یا «عن امر رسوله» است.

«ابن کثیر دمشقی» که شاگرد «ابن تیمیه» و متوفای 774 است، وقتی به اینجا می‌آید قاطعانه می‌گوید:

«وقوله (فليحذر الذين يخالفون عن أمره) أي عن أمر رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو سبيله ومنهاجه وطريقته وسنته وشريعته»

امر رسول الله، هم راه پیغمبر، هم روش پیغمبر، هم طریقت پیغمبر، و هم سنت و شریعت پیغمبر را می‌گیرد.

«فتوزن الأقوال والأعمال بأقواله وأعماله»

وزن گردیده می‌شود؛ یعنی موازنه قرار می‌گیرد، ملاک، خط‌کش و ترازو می‌شود اقوال و اعمال پیغمبر با اعمال و اقوال ما! یعنی اقوال و اعمال ما را با اقوال و اعمال پیغمبر می‌سنجند.

«فما وافق ذلك قبل»

هر آنچه که اقوال و اعمال ما، هم وزن اقوال و اعمال پیغمبر شد قبول است

«وماخالفه فهو مردود»

و هر آنچه که از اعمال و اقوال ما، با اقوال و اعمال پیغمبر موازنه نداشته باشد مردود است.

«كأننا من كان»

این فرد هر کس می‌خواهد باشد!

تفسیر القرآن العظیم؛ اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی أبو الفداء الوفاة: 774، دار

النشر: دار الفكر - بیروت - 1401، ج3، ص 308

خیلی عبارت عجیبی است. یعنی از عبارت‌های مهمی که ما می‌توانیم در رابطه با «حسبنا کتاب الله» که صدر اسلام بوده و صد سال این را مطرح می‌کردند، و اخیراً هم در بحث عدم مشروعیت سنت مطرح می‌شود، می‌توان این را بهترین دلیل بر بطلان این نظریه‌ها گرفت.

آقای «فیروز آبادی» که از لغویین و از فقهاء هم است، کتابی به نام «تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس» دارد. ایشان هم می‌گویند:

«فلیحذر الذین یخالفون عن أمره) عن أمر رسول الله (صلی الله علیه وسلم) ویقال عن أمر الله»

تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس؛ اسم المؤلف: الفیروز آبادی الوفاة: 817، دار النشر: دار الکتب

العلمیة - لبنان، ج1، ص300

جناب «سیوطی» هم می‌گویند:

«واحتج أيضا في فرض إتياع أمره بقوله (لا تجعلوا دعاء الرسول بينكم كدعاء بعضكم بعضا قد يعلم الله الذين يتسللون منكم لو اذا فليحذر الذین یخالفون عن أمره أن تصیبهم فتنة أو یصیبهم عذاب أليم) وقوله (وما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا) وغيرها من الآيات التي»

احتجاج شده در واجب بودن متابعت امر پیغمبر به آیه 63 سوره نور و آیه 7 سوره حشر و غیر از اینها، از آیاتی که:

« دلت على إتياع أمره ولزوم طاعته »

دلالت می‌کند متابعت امر پیغمبر واجب است و اطاعت پیغمبر الزام دارد.

«فلا يسع أحدا رد أمره»

کسی حق ندارد امر پیغمبر را رد کند چرا؟

«لفرض الله طاعة نبيه»

برای این که خدای عالم متابعت امر پیغمبر را واجب کرده است.

مفتاح الجنة في الاحتجاج بالسنة؛ اسم المؤلف: عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي الوفاة: 911، دار

النشر: الجامعة الإسلامية - المدينة المنورة - 1399، الطبعة: الثالثة، ج 1، ص 8

آقای «شوکانی» که در حقیقت «زیدی» و «وهابی» است، می‌گوید کلمه «فا» که در (فَلْيُحَذِّرِ الَّذِينَ) آمده، ترتیب مابعد این «فا»، بر ماقبل آن است:

«أى يخالفون أمر النبي صلى الله عليه وسلم بترك العمل بمقتضاه»

اگر آنچه که مقتضای امر پیغمبر است کسی ترک کند و عمل نکند، گرفتار فتنه و عذاب الیم خواهد شد.

فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية من علم التفسير؛ اسم المؤلف: محمد بن علي بن محمد

الشوكاني الوفاة: 1250، دار النشر: دار الفكر - بيروت، ج 4، ص 58

آقای «محمد امین شنقیطی» که یکی از وهابی‌های سرشناس معاصر ما است و متوفای 1393 هجری هم است، می‌گوید:

«الضمير في قوله: (عَنْ أَمْرِهِ) راجع إلى الرسول، أو إلى الله والمعنى واحد»

ضمیر در «امر» به پیغمبر رجوع بشود یا به الله رجوع شود، فرقی نمی‌کند (يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ) عن امر الله یا عن امر رسول الله، معنا یکی است.

چرا؟

«لأن الأمر من الله، والرسول مبلغ عنه»

امر، از خدای عالم است چه در قرآن باشد چه در سنت باشد، رسول اکرم ابلاغ می‌کند.

أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن؛ اسم المؤلف: محمد الأمين بن محمد بن المختار الجكني
الشنقيطي. الوفاة: 1393هـ، دار النشر: دار الفكر للطباعة والنشر، بيروت - 1415هـ - 1995م،
تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، ج 5، ص 558

فرمود:

(وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ)

و بر پیامبر چیزی جز رساندن آشکار نیست!

سوره نور (24): آیه 54

این کتاب «اضواء البيان» یکی از مفصل‌ترین کتاب‌های تفسیری وهابیت معاصر است و نکات خوبی دارد.
دوستان اگر یک وقت آیات ولایت را در آنجا مراجعه کنند، مطالب خوبی دارد. ایشان در ذیل آیه شریفه:

(إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)

از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!)

سوره بقره (2): آیه 124

یا:

(إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ)

ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم

سوره ص (38): آیه 26

نکات خیلی خوبی دارد، بر این که امامت و خلافت، امر الله است نه انتخابی! انتصابی است و مردم حق انتخاب پیغمبر و امام را ندارند!!

ایشان یک نکات خیلی زیبایی دارد. دوستان مراجعه کنند در ذیل آیه شریفه که نسبت به حضرت آدم است:

(إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً)

«من در روی زمین، جانشینی [= نماینده‌ای] قرار خواهم داد.»

سوره بقره (2): آیه 30

و همچنین در رابطه با حضرت داود:

(إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ)

ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم

سوره ص (38): آیه 26

نکات زیبایی دارد. خانم «رقیه بنت نصرالله نیاز» که از معاصرین است، کتابی به نام «السنة النبویه و مکانتها» دارد. این کتاب را در «مجتمع ملک فهد» که برای چاپ قرآن شریف است در «مدینه منوره» چاپ کردند. ایشان هم آیه 63 از سوره نور و 7 سوره حشر را می‌آورد و می‌گوید:

«فَإِذَا حُذِرَ سَبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ مِنْ مَخَالَفَتِهِ (صَلَّىٰ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)»

خدای عالم تحذیر کرده گفته است. **(فَلْيُحَذِّرِ الَّذِينَ)**

«نهی عن مخالفته؛ (ما نَهَاكُمْ عَنْهُ فَأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ) فهذا يوجب طاعته»

این ایجاب می‌کند ما به پیغمبر و به امر پیغمبر ایمان بیاوریم و از او امر پیغمبر اطاعت کنیم.

«وهذا تأكيد لحجية السنة النبوية»

السنة النبوية المصدر الثاني للتشريع الإسلامي ومكانتها من حيث الاحتجاج والمرتبة والبيان والعمل؛ المؤلف: رقية بنت نصر الله نياز، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف بالمدينة المنورة؛ ج 1، ص 13

اینها در حقیقت عصاره‌ای از سخنان شیعه و اهل سنت نسبت به آیه 63 سوره نور بود. البته من هم تفصیل این مطالب را دارم و هم اینها را خلاصه کردم که یک مقداری بحث‌های متفرقه‌ای که در ذیل آیه است، وقت ما را نگیرد.

این‌ها نشان می‌دهد بر این که سنت و سیره پیغمبر، ابتدای امر اگر از پیغمبر صادر شود دلالت بر وجوب خواهد کرد؛ الا این که قرائنی مبنی بر رخصت داشته باشیم، که آیا این امر استحباب، کراهت، اباحه و ... است.

لذا این آیات به نظر من از آیات محکمت قرآن بر حجیت سنت است، دیگر کسی نمی‌تواند در اینجا بگوید مثلاً:

(مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ)

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)،

سوره حشر (59): آیه 7

این در رابطه با تقسیم غنائم است. گرچه آنجا هم از علمای شیعه و سنی آوردیم که می‌گویند درست است که در مورد تقسیم غنائم است، ولی شامل دیگر مسائل هم خواهد شد. این در حقیقت یکی از بخش‌هایی بود که ما شروع کردیم، مطرح شده بود و نیمه کاره مانده بود.

در بخش بعدی روی موضوع دیگر می‌رویم. دسته سوم از آیات، همسانی اطاعت از پیامبر با اطاعت خداوند.

این هم باز از مواردی است که قرآن در آیات متعدد، اطاعت و عصیان پیغمبر را، اطاعت و عصیان خود قرار داده است. ما فعلاً در این جلسه این بحث را شروع نمی‌کنیم دوستان اگر سوالاتی دارند مطرح بکنند در خدمت‌شان هستیم.

حضور و غیاب هم بر مبنای نرم افزار انجام شده است، در هفته گذشته هم همین حدود 25 الی 30 نفر بودند که ما در خدمت عزیزان بودیم.

ما گفتیم عزیزانی که از طریق این برنامه در کلاس شرکت می‌کنند، هزینه‌ای برای اینترنت‌شان پرداخت می‌کنیم. کسانی که از ده جلسه، هفت جلسه را حضور داشته باشد، ما در خدمت‌شان هستیم. عزیزانی که بحث‌ها را تحلیل بکنند و جواب بدهند ما در خدمت آن آقایان هم با این وضع و مشکلاتی که هست خواهیم بود.

البته ما خیلی دوست داشتیم اگر بتوانیم از نظر کمک‌های مالی بیشتر در خدمت آقایان باشیم ولی از دست ما بیش از این ساخته نیست! «ماه رمضان» یک محبتی شد، برای آقایان یک هدایایی تقدیم شد. اگر ما فرصتی داشته باشیم و خدای عالم کرم کند، ما در خدمت دوستان خواهیم بود.

دوست توجه دارند که این برنامه‌ای که ما تهیه کردیم، هیچ کس در «حوزه علمیه» از این برنامه استفاده نمی‌کند. «حوزه» از برنامه‌های رایگان استفاده می‌کند مثل مدرس و... حتی از «آدب کانکیشن» استفاده می‌کنند.

ولی ما این نرم افزار را نزدیک یک میلیون تومان اجاره کردیم و به نام خود موسسه هم ثبت کردیم. کنجایش تا صد نفر هم دارد که البته ما جاهای دیگر از آن استفاده می‌کنیم.

لذا امکان ورود به این برنامه خیلی راحت و سهل الوصول است. و البته دوستانی که برای‌شان مشکلی پیش می‌آید، عزیزان ما، برنامه‌ها را در سایت «مؤسسه ولیعصر» به صورت صوتی و متنی بارگذاری می‌کنند؛ آن‌جا دوستان می‌توانند ببینند.

پرسش:

اگر ما مقاله بنویسیم، امکان چاپ از طرف شما وجود دارد؟

پاسخ:

اگر به صورت کتاب باشد ما در خدمت شما هستیم. این بحث‌هایی که ما انجام دادیم، فایلش را خدمت‌تان می‌دهیم و کمک‌تان هم می‌کنیم، به نام شما هم چاپ می‌کنیم یا در سایت «مؤسسه ولیعصر» قرار می‌دهیم تا مردم استفاده می‌کنند.

الان خیلی از کتاب‌های ما آماده است، ولی نمی‌توانیم چاپ بکنیم؛ یعنی با وضع دلار 30 هزار تومان و گرانی کاغذ و ... نمی‌صرفد. از طرفی ناشرین هم 300 تا 400 تا بیشتر چاپ نمی‌کنند؛ ولی الان ما در سایت «مؤسسه ولیعصر» به صورت متوسط بعضی روزها 30 هزار، 40 هزار، 50 هزار نفر مراجعه کننده داریم.

«سایت ولیعصر» یک سایت وزینی است؛ البته ما هر مقاله و کتابی را در این سایت نمی‌گذاریم. اگر دوستان زحمت بکشند مطالب‌شان را به صورت مقاله در بیاورند؛ به عنوان شبهه، حرف‌های وهابی‌ها را بنویسند، حرف‌های قرآنیون مثل «مصطفی طباطبائی» و ... در این زمینه بنویسند، ما این را در سایت به نام خود آقایان قرار می‌دهیم.

پرسش:

این آیه (فلیحذر الذین یخالفون عن أمره) با آیه:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ)

اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا

سوره نساء (4): آیه 59

فرقی دارد یا نه؟

پاسخ:

ما آیه (أَطِيعُوا اللَّهَ) را به صورت جداگانه می‌آوریم. عرض کردم که ما با توجه به مطالعاتی که بوده، 41 آیه در قرآن پیدا کردیم که بر متابعت از سنت پیغمبر دلالت می‌کند. یکی از اینها:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر [= اوصیای پیامبر] را!

سوره نساء (4): آیه 59

است که البته با عبارات مختلف آمده؛ هم (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ) آمده، هم (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ) آمده؛ تفاوت اینها را من خدمت عزیزان عرض خواهم کرد.

اگر دوستان اینها را بیاورند، با شبهاتی که وهابیت درون شیعی یا وهابیت اهل سنت دارند، با اینها مقایسه بکنند و شبهه را بیاورند و جواب بدهند، ما قطعاً اگر دوستان بخواهند مستقل چاپ کنند، کمک‌شان می‌کنیم یا در خود سایت هم قرار می‌دهیم که هزاران و ده‌ها هزار نفر در اینجا از آن استفاده بکنند.

پرسش:

آیا امام علی موافق حمله مسلمانها به «ایران» بود یا نه؟ چون در «نهج البلاغه» خطبه 146 اشاراتی به این قضایا دارد.

پاسخ:

ما قبلاً این را جواب دادیم. در قضیه حمله به «ایران»، ایرانی‌ها نزدیک 150 هزار نیرو آماده کرده بودند که به «مدینه» حمله کنند و کل اسلام و مسلمانان را از بین ببرند. در این‌جا فرقی نمی‌کند خلیفه علی باشد یا کسی دیگر باشد.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) برای نجات اسلام و نجات مسلمانان مشورت داده، و این دلیل بر این نیست که امیرالمؤمنین از کار خلیفه راضی بوده؛ حضرت، اسلام را در خطر دیده، مسلمانان را در خطر دیده و لذا مشورت دفاعی داده است.

اضافه بر این، در همانجا هم خلیفه دوم از همه مشورت گرفت، امیرالمؤمنین ساکت بود. «عمر» برگشت گفت علی! چرا ساکت هستی؟ نظر شما چیست؟ ایشان نظر داد، عمر گفت: نظر شما از نظر دیگر صحابه بهتر است.

لذا صدور فرمایش حضرت امیر به این علت است، نه به خاطر این که امیرالمؤمنین با حمله مسلمانان به «ایران» موافقت کند.

اصلاً حمله نبود، دفاع بود و جنایاتی که اینها مرتکب شدند را قبلاً هم ما گفتیم یک فایلی هم داریم، که ظاهراً در کانال بارگذاری شده است و دوستان می توانند مراجعه کنند. جنایاتی که در حمله به «ایران» انجام شد، واقعا تاریخ اسلام را سیاه کرد.

در «طالقان» جمعیت را ردیف کردند، چشم‌های هزاران نفر را در آوردند، در «گرگان» گفتند اگر شما تسلیم بشوید ما یک نفر را نمی‌کشیم. وقتی تسلیم شدند، تمام مردم را کشتند جز یک نفر! گفتند: گفته بودیم که ما یک نفر را نمی‌کشیم!!

پرسش:

مهم‌ترین مبانی شیعه و اهل سنت، در مسئله مرجعیت دینی چیست؟

پاسخ:

بحث‌مان عمدتاً مرجعیت دینی رسول اکرم است. این آقایان آمدند اصلاً مرجعیت دینی

پیغمبر را زیر سوال بردند. اینها می‌گویند اصلاً سنت حجت نیست و ما باید تمام احکام‌مان را از قرآن بگیریم. چرا که:

(وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ)

و ما این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است.

سوره نحل (16): آیه 89

بله ما هم قبول داریم که «تبیان کل شیء» ولی این آیاتی که آمده مثل:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ)

اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [= اوصیای پیامبر] را!

سوره نساء (4): آیه 59

قرآن است یا نه؟

(فَلْيُحَذِّرِ الَّذِينَ يَخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)

پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از اینکه فتنه‌ای دامنه‌شان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آنها برسد!

نور (24): آیه 63

هم قرآن است یا نه؟

(مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ)

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)

سوره حشر (59): آیه 7

قرآن است یا نه؟

خود قرآن آمده سنت را حجت قرار داده و شما اگر بخواهید سنت پیغمبر را کنار بگذارید، دو رکعت نماز صبح را از خود قرآن نمی‌توانید اثبات بکنید. ما بعد از این که بحث رسول اکرم را تمام کردیم، ادله‌ای که می‌گوید سنت ائمه هم، عین سنت پیغمبر است را مطرح خواهیم کرد. آنها ادله دیگری می‌طلبند.

مثل:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [= اوصیای پیامبر] را!

سوره نساء (4): آیه 59

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ)

سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر

سوره مائده (5): آیه 55

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان!

سوره مائده (5): آیه 67

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)

امروز، دین شما را کامل کردم

سوره مائده (5): آیه 3

و ده‌ها آیات دیگری که بر حجیت سنت ائمه (علیهم السلام) دلالت می‌کند.

پرسش:

درباره توزیع تبرکات به اسم امام حسین (علیه السلام) وهابیت معتقدند که این بدعت است و خوردن آن از دست شیعه حرام است!!

پاسخ:

ما در رابطه با تبرک آیه قرآن داریم. در رابطه با حضرت یعقوب (علی نبینا و آله وعلیه السلام) با کشیدن پیراهن حضرت یوسف بر صورتش، نابینایی‌اش از بین رفت و شفا گرفت؛ پس معلوم می‌شود تبرک، یک منشأ قرآنی دارد. ان شاء الله فرصت بشود ما یک جلسه مستقل در رابطه با تبرک خواهیم داشت.

اینها تبرک را بدعت می‌دانند ولی شما حتماً آن کلیپ را دیدید که آقای «ملک سلمان» پیر مرد نود و چند ساله، خم شده و دست زن «ترامپ» را می‌گیرد!!

این‌که یک پیرمرد نود و چند ساله و پادشاه به اصطلاح خودشان «اولی الامر» شان می‌آید خم می‌شود با آن وضع خفت‌بار و ذلت‌بار، دست یک زن اجنبی را می‌گیرد، واقعاً عجیب است!! اصلاً دست دادن با زن اجنبی حلال هم باشد، فرضاً اشکالی هم نداشته باشد، اینکه یک اولی الامر بیاید همچنین کاری بکند، آیا با عزت اسلامی که می‌فرماید:

(وَ لِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُوْلِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ)

عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است

سوره منافقون (63): آیه 8

اصلاً درست است یا درست نیست؟ آن هم برگشت گفت: «عربستان» گاو شیردهی است، ما چند صد میلیارد دلار از اینها برای «آمریکا» پول گرفتیم و الان هم تحقیرشان می‌کنند، کاری به کارشان ندارد.

متأسفانه از آن طرف هم مثل «بحرین» و «امارات» و ... زیر سایه آمریکا دارند می‌روند، ظاهراً اینها عقل‌شان را از دست داده‌اند. دیوانه همچنین کاری نمی‌کند.

«آمریکا» الان از «ایران» مثل سگ می‌ترسد. «ایران» پیشرفته‌ترین پهپادشان را با موشک‌های ساخت خودش زد، پایگاه‌شان را ویران کرد؛ ولی کوچک‌ترین عکس‌العملی نتوانست در برابر «ایران» نشان بدهد. حالا این بابا می‌خواهد از شماها حمایت کند!؟

«جزاکم الله خیرا» خدا بر همه شما توفیق عنایت کند و عزت دارین به همه بزرگواران کرم کند ان شاء الله. ما را هم دعا بفرمایید.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»